

## واکاوی فقهی و حقوقی خیار غبن در قراردادهای الکترونیکی

محمد رسول آهنگران\*، امیر احمدی\*\*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۲)

### چکیده

نظر به اینکه فناوری اطلاعات در امر قراردادهای تحولات چشمگیری ایجاد کرده و نیز ورود ایران به دنیای قراردادهای الکترونیکی و عدم تصریح قانون تجارت الکترونیک در خصوص بسیاری از مسائل قراردادهای الکترونیکی پژوهشی با هدف بررسی خیار غبن در قراردادهای الکترونیکی و تطبیق این موضوع با فقه امامیه و حقوق ایران و همچنین بررسی خلاءهای موجود در این زمینه صورت پذیرفت. همچنین هدف از این پژوهش، بررسی نوسانات قیمتی در بازار در صورت غبن در قراردادهای الکترونیکی و نیز بررسی آثار و احکام آن می‌باشد، که قانون مدنی و قانون تجارت الکترونیک ایران به صراحت به آن نپرداخته و هیچ اشاره‌ای به آن نکرده‌است. باید افزود که این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی و تحلیلی است. بنابر اطلاعات و مبنای پژوهش نتیجه گرفته شد که خلاءها و نواقصی در زمینه‌های مختلف آثار و احکام خیار غبن در قراردادهای الکترونیکی موجود است که در این پژوهش راهکارهایی در جهت رفع این موانع و خلاءها ارائه گردیده است. پیشنهاد می‌شود که در این راستا قانونگذار به تصویب قانون ماهوی با توجه به مقررات جهانی و منطبق بر فقه پویا در این موضوع بپردازد و به تصویب قانون خاص تجارت الکترونیکی، اهتمام ورزد.

### کلیدواژگان

تجارت الکترونیک، خیار غبن، فقه، قرارداد الکترونیک.

\* نویسنده مسئول: استاد، دانشکده الهیات، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

رایانامه: Ahangaran@ut.ac.ir

\*\* دکتری رشته فقه و حقوق اسلامی، عضو هیأت علمی دانشکده الهیات و علوم اسلامی، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور

تهران، ایران

## مقدمه

خیار غبن از جمله خیارات مشترک است که اصولاً در تمام عقود و قراردادهای لازم جاری خواهد بود و در شمار قواعد عمومی می‌باشد. شاید در ابتدا به نظر برسد که بحث و بررسی آثار و احکام خیار غبن در قانون مدنی با توجه به وجود حق انصراف بیهوده و بی معناست. اما باید اذعان داشت که حق انصراف با توجه به صراحت ماده ۳۷ قانون تجارت الکترونیکی در خصوص حمایت از مصرف‌کنندگان و عموم افراد جامعه، به عبارتی اشخاص حقیقی است. بنابراین احکام و آثار خیار غبن در قراردادهای الکترونیکی در خصوص تجار به صورت عملی قطعاً نمو پیدا خواهد کرد و در بین تجار حق انصراف جاری نمی‌شود زیرا ماده ۳۷ این حق را مختص به مصرف‌کنندگان و افراد عادی قرارداد است و شامل تجار نمی‌شود؛ حال مسأله این است که آیا در صورت نوسانات قیمتی در بازار الکترونیکی در صورت غبن، قیمت استرداد به طرف مقابل تغییر پیدا خواهد کرد؟ در صورت تغییر چه آثار و احکامی را به دنبال دارد؟ همچنین مسأله‌ای دیگری که در این جا مطرح می‌شود این است که امروزه در قراردادهای الکترونیکی به دلیل سرعت رشد قیمت‌ها، در هنگام مغبون شدن قیمت زمان غبن منشاء اثر است یا پس از آن، حتی اگر قیمت افزایش پیدا کرده باشد؟ همچنین ملاک غبن از دید فقها و حقوقدانان مورد بررسی می‌باشد که در این مقاله سعی در پاسخ به این سوالات و همچنین خلاءهای موجود در قانون تجارت الکترونیکی خواهد بود.

## معنا و مفهوم غبن

تعریفی از غبن در قانون تجارت الکترونیک و قانون مدنی نشده است و فقط در ماده ۴۱۶ قانون مدنی به شرایط و حکم آن پرداخته است که مقرر می‌دارد: «هر یک از متعاملین که در معامله غبن فاحش داشته باشد بعد از علم به غبن می‌تواند معامله را فسخ کند». اصل یا ریشه‌ی لغوی غبن، به معنای خدعه و گول زدن (دهخدا، ۱۳۶۱، واژه‌ی غبن؛ صفایی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۷۹؛ أنصاری، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۵۷؛ جُبَعی عاملی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۴۶۳) و نقیض در معامله آمده است (طریحی نجفی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۲۸۸) و در اصطلاح فقها غبن این است که، شخصی با جهل طرف مقابل،

مال خود را به بیش از قیمت واقعی آن به دیگری تملیک کند، در این صورت تملیک کننده یا گول زنده را غابن و فریب خورده را مغبون گویند (أنصاری، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۵۷).

در این تعریف مغبون شدن فقط برای خریدار قابل تصور است. اما برخی از فقها غبن را هم خریدار و هم فروشنده ثابت دانسته‌اند و مقصود از آن را فروش یا خرید مال به غیر قیمت آن است، به شرط آن که تفاوت به گونه‌ای باشد که غالباً از آن مقدار غبن، نتوان چشم پوشی کرد و تشخیص این امر با عرف است، زیرا مقدار آن در شرع معین نیست (جُبعی العاملی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۴۶۳-۴۶۴؛ کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۳۹۹؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۹۷-۴۹۸). حقوقدانان نیز تعاریف متفاوتی از غبن بیان نموده‌اند، برخی غبن را حقوقی اختیاری برای فسخ قرارداد دانسته‌اند که قانونگذار در صورت عدم تعادل عوضین به طرفی که مغبون و متضرر گردیده داده‌است (صفایی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۷۹). از این رو در تعریف غبن می‌توان گفت: «زیانی است که به هنگام دادوستد، در نتیجه‌ی نابرابری فاحش بین ارزش آنچه باید پرداخته یا انجام شود و ارزشی که در برابر آن دریافت می‌گردد، به طرف ناآگاه می‌رسد» (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۳۹۶، ش ۳۸۶) البته هرگاه دو طرف قرارداد جاهل به قیمت باشند، و نیز حيله و گول زدنی در معامله نباشد، غبن محقق نمی‌شود. حال آیا در قراردادهای الکترونیکی غبن محقق است؟ به نظر می‌رسد با توجه به اینکه معامله واقعی با معامله مجازی تفاوت چندانی با هم ندارند و فقط در نوع معامله با هم تفاوت دارند، در قراردادهای الکترونیکی غبن محقق می‌شود. همچنین امروزه با توجه به مقتضای پیشرفت دنیای مجازی و الکترونیکی، ایجاب و قبول به صورت الکترونیکی می‌باشد و فقط شکل قراردادها به صورت الکترونیکی است و محقق شدن غبن در اینگونه قراردادها ممکن می‌باشد.

### شرایط تحقق غبن در قراردادهای الکترونیکی

با توجه به توضیحات فوق شرایطی برای تحقق غبن لازم است که فقها آن را با وجود این شرایط محقق می‌دانند (أنصاری، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۸۵؛ حلی، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۶۸؛ حلی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۴۴)، و همچنین برای تحقق غبن در قراردادهای الکترونیکی این شرایط لازم است، که در ذیل آنها را مورد مطالعه قرار خواهیم داد:

**اول:** نابرابری و غبن فاحش در قراردادهای معوض به گونه‌ای که در عرف قابل مسامحه نباشد (أنصاری، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۸۵؛ نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۳، ص ۴۳)؛ یعنی غبن باید به اندازه‌ای فاحش باشد که عرفاً در هنگام قرارداد قابل مسامحه نباشد و مؤید این سخن ماده ۴۱۷ قانون مدنی<sup>۱</sup> در قراردادهای الکترونیکی که قیمت‌ها به صورت مجازی و در فضای مجازی در معرض دید خریدار به نمایش گذاشته می‌شود یا از طریق الکترونیکی به خریدار اعلام می‌شود آیا مقررات قراردادهای حضوری و واقعی در قراردادهای الکترونیکی نیز قابل سرایت است. با توجه به سکوت قانون تجارت الکترونیکی در این خصوص به نظر می‌رسد که مقررات عام قانون مدنی در این مورد قابل سرایت باشد. مثلاً اگر یک وبسایت مالی را که صد میلیون ریال ارزش دارد به چهارصد میلیون ریال خریداری نماید، این مقدار غبن از دید عرف فاحش است و غیر قابل مسامحه می‌باشد. همین‌طور اگر شخصی مال خود را ناآگاهانه به کمتر از قیمت واقعی بفروشد و عرفاً قابل مسامحه نباشد، خیار غبن صدق می‌کند. قابل ذکر است که در تعیین مقدار غبن شرایط معامله نیز باید منظورگردد (ماده ۴۱۹ قانون مدنی) یعنی باید دید که در دید انسان متعارف در شرایط غبن، این تفاوت قیمت قراردادی با قیمت واقعی قابل تحمل است یا خیر. نکته حائز اهمیت این است که غبن در عقود رایگان که بنای آنها بر احسان و مسامحه است؛ بی‌گمان زمینه‌ی غبن فراهم نمی‌آید (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۳۹۷). در قراردادهای الکترونیکی احتمال اینکه شروطی در خصوص سقوط خیار غبن در حین قرارداد شده باشد وجود دارد در این صورت قضیه متفاوت از حالت عادی خود خواهد شد، بنابراین هرگاه در قراردادهای الکترونیکی قیمت واقعی با قراردادی در دید عرف قابل گذشت و تحمل نباشد باید حق فسخ را قائل شد.

**دوم:** عدم علم مغبون به ارزش واقعی و عادلانه هنگام انعقاد قرارداد (الأنصاری، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۸۵؛ النجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۳، ص ۴۲)؛ شخصی که مغبون شده است هنگام انعقاد قرارداد باید علم به قیمت عادلانه نداشته باشد، بنابراین اگر کسی با علم به قیمت و بر اثر اضطرار یا شتاب در معامله

۱. غبن در صورتی فاحش است که عرفاً قابل مسامحه نباشد (اصلاحی ۱۳۶۱/۱۰/۸).

مالی را که یکصد هزار ریال قیمت دارد، به دویست هزار ریال بخرد، خیار فسخ نخواهد داشت (صفایی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۸۰؛ کاتوزیان، ۱۳۹۰، ش ۳۹۰، ص ۴۰۲). در این خصوص حکمی در قانون تجارت الکترونیکی موجود نمی‌باشد و به قواعد عمومی قانون مدنی رجوع خواهیم کرد. بنابراین اگر شخصی با علم اقدام به ضرر خود کند، قانون‌گذار از او حمایت نمی‌کند. یعنی به نحوی از انحاء به طور عمد باید قرارداد الکترونیکی اقدام به ضرر علیه خود کند. در این باره ماده ۴۱۸ مقرر می‌دارد: «اگر مغبون در حین معامله عالم به قیمت عادلانه بوده است خیار فسخ نخواهد داشت». ظاهراً ادعای جهل به قیمت مسموع است ولی اگر شخصی ادعای علم مدعی را دارد باید آن را اثبات نماید. بنابراین درباره اختلاف بر سر علم مغبون توسط غابن، اصل عدم علم مغبون است و قول او پذیرفته می‌شود، مگر اینکه غابن خلاف آن را اثبات نماید<sup>۱</sup> و تشخیص این امر با قاضی خواهد بود. بنابراین اگر شخصی در قرارداد الکترونیکی قیمت را به خریدار اعلام کند و به او بگوید که قیمت واقعی در بازار به چه میزان است و خریدار نیز با علم به قیمت واقعی معامله را منعقد نماید، دیگر ادعای مغبون شدن او پذیرفته نخواهد شد و خیار فسخی برای او باقی نمی‌ماند زیرا با علم به قیمت در فضای الکترونیکی معامله را منعقد کرده و به طور عمد اقدام به ضرر خود کرده است.

در وبسایت‌ها معمولاً قیمت‌ها از قبل توسط فروشنده معین شده است و خریدار نیز می‌تواند با مراجعه به وبسایت‌ها و بازارهای مشابه از قیمت واقعی کالاها و خدمات آگاه شود و در صورت برابری قیمت‌ها یا کمتر بودن قیمت، دیگر استناد به خیار غبن ممکن نیست. اما در جایی که خریدار از قیمت‌ها اطلاع ندارد و اقدام به خرید الکترونیکی از طریق هر واسطه‌ای بکند و سپس مطلع شود که در مقایسه با دیگر فروشندگان الکترونیک خیلی گران‌تر است، در این صورت به نظر چند حالت متصور است که به آنها را بازگو می‌کنیم:

۱. رجوع کنید به: رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور در تاریخ ۱۷/۱۲/۱۳۳۹، آرشیو حقوقی کیهان، مجموعه رویه‌ی قضایی (از ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۲)، ج ۲، ش ۱۱۲، ص ۲۶۳.

**حالت اول:** اگر هنوز قبول سفارش توسط فروشنده اعلام نشده باشد، خریدار به محض اطلاع، برای جلوگیری از ضرر و زیان می‌تواند سفارش خود را ملغی کند.

**حالت دوم:** اما اگر قرارداد توسط فروشنده مورد قبول واقع شده باشد و قرارداد قطعی شود آیا قیمت الکترونیکی و مجازی کالا و خدمات معیار غبن است یا قیمت بازارهای واقعی؟ پاسخ به این سوال قابل تأمل می‌باشد و دو پاسخ در این خصوص به ذهن متبادر می‌شود **الف:** می‌توان گفت عرف بازارهای الکترونیکی خاص این نوع بازارها می‌باشد و ملاک غبن باید بازارهای الکترونیکی باشد نه واقعی، از این رو در صورت تفاوت قیمت در بازار الکترونیکی با واقعی، خیار غبن ثابت نمی‌شود. **ب:** پاسخ دیگری که می‌توان بیان کرد، این است که بازارهای الکترونیکی فقط جهت بالا بردن سرعت و تسهیل مبادله‌ها و رفاه حال خریداران و فروشندگان است و جز این منفعتی ندارد. بنابراین اشخاص با یک سری وسایل الکترونیکی، بازارهای الکترونیکی را اداره می‌کنند و از قیمت واقعی و فضاهای الکترونیکی هم اطلاع دارند و دلیلی وجود ندارد که کالا و خدمات را گران‌تر از قیمت بازارهای واقعی بفروشند، از این رو خیار غبن در اینجا جریان دارد.

هرچند نظر فقها نیز این است که مغبون قیمت اصلی را نداند، بنابراین اگر مغبون از قیمت واقعی باخبر باشد، خیار غبن ندارد (أنصاری، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۶۶). به نظر می‌رسد این پاسخ صحیح‌تر است، زیرا با اصل ثبات بازار و یکسان سازی قیمت‌ها سازگارتر می‌باشد و نیز عدالت و انصاف نیز در آن رعایت شده است لذا دلیلی بر دو نرخ بودن قیمت یک کالا در بازار نیز توجیه منطقی و قانونی ندارد. پس به نظر می‌رسد که در هر صورت قیمت واقعی و قیمت فضای الکترونیکی باید یکسان باشد چون فضای الکترونیکی و وسایل الکترونیکی فقط یک واسطه و تسهیل‌گر به شما می‌آیند و مجالی قانونی برای گران فروشی و مغبون کردن دیگران در آن غیر منطقی و به دور از عدالت می‌باشد. اما در خصوص بازارهای جهانی هم باید اذعان داشت تا بازارهای کم قیمت‌تر وجود دارد دلیلی بر خرید گران‌تر از یک بازار الکترونیکی وجود ندارد. هرچند امروزه مغبون شدن در معامله بسیار کاهش یافته است و دلیل آن هم آگاهی از قیمت‌ها با گسترش وسایل الکترونیکی و جراید عمومی برای کل افراد جامعه، است. پس، اگر معامله و

مذاکره‌ی بر سر قیمت کالا از طریق واسطه‌های الکترونیکی صورت پذیرد، با توجه به شرایط فوق شخصی مغبون شود، می‌تواند قرارداد را فسخ نماید و نمی‌توان به صرف الکترونیکی بودن قرارداد و سکوت قانون تجارت الکترونیکی شخص مغبون را از حق قانونی خود منع کرد زیرا نه انصاف و عدالت و نه شرع و قانون همچنین امری را پذیرا نمی‌باشد.

### آثار و احکام غبن در قراردادهای الکترونیکی

در قراردادهای حضوری با توجه به صراحت قانون مدنی استفاده از خیار فسخ در صورت مغبون شدن خریدار بلا اشکال و قانونی است اما در قراردادهای الکترونیکی سکوت قانون تجارت الکترونیکی نباید باعث شود که آثار و احکام اینگونه قراردادها نادیده گرفته شود. بنابراین تعمیم قانون مدنی و مبانی شرعی در غبن الکترونیکی به نظر بلا اشکال و با مبانی قانونی و شرعی ما نیز همخوانی دارد.

حال در ذیل به آثار و احکام غبن در قراردادهای الکترونیکی خواهیم پرداخت:

**اول:** اگر غبن در قراردادی اعم از سنتی یا الکترونیکی فاحش باشد، مغبون می‌تواند قرارداد را به همان وجه پذیرا باشد یا از حق فسخ خود استفاده نماید و آن را فسخ نماید. این در صورتی است که این حق را در ضمن قرارداد اسقاط نکرده باشد. از این‌رو اگر کسی که طرف خود را مغبون کرده است تفاوت قیمت را بدهد خیار غبن ساقط نمی‌شود مگر اینکه مغبون به اخذ تفاوت قیمت راضی گردد ( ماده ۴۲۱ قانون مدنی). بنابراین در قراردادهای الکترونیکی استرداد تفاوت قیمت توسط فروشنده به خریدار مانع از اجرای و اعمال خیار فسخ توسط خریدار نخواهد شد و فقط رضایت مغبون (خریدار) می‌تواند مانع از اعمال خیار فسخ شود و برعکس این مورد نیز متصور خواهد بود. در ادامه به نظر مشهور فقها خواهیم پرداخت که ببینیم این امر با مبانی فقهی ما همخوانی و همسوی دارد.

مشهور فقها نیز بر این نظر هستند، زیرا خیار که پیش از این ثابت شده است استصحاب می‌شود (أنصاری، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۶۲؛ جُبعی العاملی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۶۴). اما هرگاه مغبون در قراردادهای الکترونیکی به دلیل نوسانات قیمتی در بازار، به جای اعمال حق فسخ از غابن مطالبه

تفاوت قیمت نماید تلکیف چیست؟ قانونگذار در قانون تجارت الکترونیکی و قانون مدنی، در این خصوص تصریحی ندارد، اما به نظر می‌رسد الزام غابن غیر ممکن است و باعث سقوط خیار غبن می‌شود، و مغبون فقط می‌تواند معامله را فسخ کند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۹۸، مسأله ۱)، زیرا شرط فوریت اعمال خیار غبن، در اینجا محقق نمی‌شود. از این رو اگر با مطالبه تفاوت قیمت از غابن در مال نیز تصرف کند، خیار مغبون ساقط می‌شود (أنصاری، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۸۴) ولی اگر مغبون بدون علم به غبن در مال تصرف نماید خیار برای او ثابت است. به نظر می‌رسد این حالت نیز در قراردادهای الکترونیکی قابل تسری باشد و با مبانی فقهی و عدل و انصاف سازگارتر باشد.

**دوم:** فوری بودن اعمال خیار غبن؛ قانون تجارت الکترونیکی در این خصوص ساکت است حال باید دید تراخی یا فوریت در اعمال غبن با قراردادهای الکترونیکی سازگارتر است؟ فقها در این خصوص باهم اختلاف نظر دارند، برخی قایل به تراخی هستند<sup>۱</sup> (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۳، ص ۴۳)، اما نظر مشهور بر آن است (عاملی، بی تا، ج ۴، ص ۱۰۴؛ أنصاری، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۲۰۶) که بعد از علم به غبن، شخص مغبون در سریع‌ترین زمان که ضابطه‌ی تعیین آن عرف است، می‌تواند حق خود را اعمال کند و از حق فسخ خود استفاده نماید. در این خصوص در ماده ۴۲۰ قانون مدنی آمده است «خیار غبن بعد از علم به غبن فوری است» و گرنه خیار شخص مغبون ساقط خواهد شد. مهلت کوتاهی که در دید عرف «فوری» است بعد از علم به غبن آغاز می‌شود و تا زمانی که مغبون از وضع خویش آگاهی ندارد، مهلت اجرای خیار آغاز نمی‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۴۰۵). برخی حقوقدانان بعد از علم به غبن اعلام فسخ را لازم نمی‌دانند و صرف تصمیم درونی را مکفی دانسته و اگر مغبون به جهتی اعلام تصمیم را به تأخیر بیندازد، حق فسخ او ساقط نمی‌شود (امامی، ۱۳۴۰، ج ۱، ص ۴۹۹) هر چند به نظر می‌رسد مغبون باید فسخ خود را بی‌درنگ اعلام نماید، و گرنه اگر تصمیم خود را برای اعلام به تأخیر بیندازد حق فسخ او ساقط

۱. [كما أن الظاهر كونه على التراخي ما لم يحصل ضرر على الآخر].



خواهد شد. همچنین باید افزود که فوریت در اعمال خیار غبن با فراز و فرود بازار امروزی سازگارتر است چون نوسانات قیمتی در بازار اقتصادی به شدت به چشم می‌آید و قیمت‌ها در لحظه قابل تغییر هستند.

**سوم:** خیار غبن مختص عقد بیع نیست و فقها نیز بر این امر تصریح دارند (أنصاری، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۲۰۳) و مؤید این حکم ماده ۴۵۶ قانون مدنی است که غبن را در جمیع قراردادها جاری می‌داند. بنابراین خیار غبن در تمامی قراردادهای الکترونیکی قابل تسری است مگر در عقود و قراردادهای رایگان، که قبلاً نیز به آن اشاره کردیم.

**چهارم:** یکی از آثار غبن در قرارداد، این است که بی‌تردید ایجاد حق فسخ برای مغبون خواهد کرد. چنانکه در قواعد عمومی فسخ، اثر فسخ ناظر به آینده است؛ در نتیجه، مغبون و طرف او تا تاریخ فسخ مالک مالی هستند که به موجب قرارداد به دست آورده‌اند و پس از آن، هر یک از دو عوض به مالک اصلی خود باز می‌گردد و منافع دو عوض نیز تابع همین قاعده است و همراه با اصل ملک انتقال می‌یابد (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۴۰۵).

**پنجم:** مسأله‌ای که در این جا مطرح می‌شود این است که امروزه در قراردادهای الکترونیکی به دلیل سرعت رشد قیمت‌ها، در هنگام مغبون شدن قیمت زمان غبن منشاء اثر است یا پس از آن، حتی اگر قیمت افزایش پیدا کرده باشد؟ قانون مدنی و قانون تجارت الکترونیکی در این خصوص ساکت است. اما در این خصوص دو احتمال وجود دارد؛ در غبن آنچه در زیاده و نقصان معتبر است، قیمت حال عقد است، بنابراین هرگاه پس از عقد، قیمت افزایش یافت و با ثمن به تساوی رسید، سودی در سقوط خیار غبن ندارد و خیار غبن باقی است (جَبَعِی الْعَامِلِ، ۱۳۸۶ ج ۳، ص ۴۶۴؛ أنصاری، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۶۷؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۹۸). احتمال دیگر این است که بگویم قیمت، پس از بالا رفتن، مغبون خیار ندارد؛ زیرا پیش از رد ثمن و آن مبیع انجام گیرد، تدارک و جبران ضرر با افزایش قیمت حاصل شده است (أنصاری، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۶۷)، بنابراین به هر ترتیبی عیب ترمیم یابد، دیگر حق رد ساقط می‌شود (حَلّی، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۲۱۲). به نظر می‌رسد، افزایش و کاهش قیمت در اعمال خیار غبن مؤثر نباشد و مشهور فقها نیز بر نظر اول ادعای اجماع کرده‌اند (أنصاری، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۶۸؛ حَلّی، ۱۴۲۰، ج ۱۱، ص ۶۹). بنابراین

نظر اول با منطق و با عدالت همسو است زیرا در معاملات و قراردادهای افراد به فکر سود هستند و در قراردادهای الکترونیکی امکان نوسانات قیمتی در هر دقیقه هست، بنابراین در قراردادهای الکترونیکی قیمت در حین عقد ملاک است و باید بگوییم حتی با افزایش قیمت، باز هم خیار غبن برای مغبون باقی است.

### مناطق و ملاک فسخ در غبن الکترونیکی

پرسشی که در این بحث مطرح است این است که مناطق و ملاک فسخ در غبن الکترونیکی چیست؟ پاسخی برای این پرسش در بین حقوقدانان در حوزه تخصصی تجارت الکترونیکی نیافتیم. اما پاسخی سنتی که می‌توان به این پرسش داد این است که در بین برخی از فقها مبنای و مناطق خیار غبن و فسخ قرارداد غبنی را نفی ضرر دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۹؛ حلی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۵۷). برخی دیگر از فقها در توجیه نظر فقهای فوق، نداشتن تسلط مغبون در فسخ کردن بیعی که منجر به غبن شده است را برای مغبون زیان آور می‌دانند (أنصاری، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۶۸). حقوقدانان معتقدند که باید دید که در دید انسان متعارف در شرایط غبن، این تفاوت قیمت قراردادی با قیمت واقعی قابل تحمل است یا خیر (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۳۹۷). حال در قراردادهای الکترونیکی نیز عرف، عدم تسلط مغبون بر فسخ را برای او زیان آور دانسته و حق فسخ ضرری که قابل مساحمه نیست را برای مغبون قائل می‌شود.

### مسقطات خیار غبن در قراردادهای الکترونیکی

بحثی دیگری که قابل طرح است این می‌باشد که آیا خیار غبن قابل ساقط شدن است یا خیر؟ با توجه به مبانی فقهی اموری مختلف می‌تواند باعث سقوط خیار غبن شود که با تعمیم این امور به قراردادهای الکترونیکی آنها را بازگو می‌کنیم:

اول: شرط سقوط خیار غبن در ضمن عقد (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۹۸؛ أنصاری، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۸۳) با توجه به نظر فقها می‌توان گفت که در قراردادهای الکترونیکی امکان شرط سقوط خیار غبن ممکن خواهد بود.

هر چند برخی از فقها شرط کردن سقوط خیار غبن را در عقد باطل و این شرط را سبب بطلان عقد می‌دانند (عاملی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۲۷۵) اما این سخن با عدالت و مقتضای قواعد عمومی قراردادها سستی و همچنین قواعد عمومی قراردادهای الکترونیکی همسو نیست.

**دوم:** ساقط کردن خیار بعد از عقد ولو قبل از روشن شدن غبن، در صورتی که آن را بر فرضی که غبن ثابت باشد، ساقط نماید (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۹۸؛ أنصاری، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۸۳) بنابراین در قراردادهای الکترونیکی با توجه به عدم مغایرت با شریعت و همچنین مبانی عرفی معاملات امکان سقوط خیار با توافق طرفین قرارداد وجود دارد.

**سوم:** آن که مغبون بعد از علم به غبن، در آنچه به او منتقل شده است تصرف نماید، به طوری که در نظر عقلا التزام به عقد و اسقاط خیار را برساند، مانند تصرف نمودن به وسیله اتلاف یا تصرفی که مانع رد باشد (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۹۸؛ أنصاری، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۸۷؛ نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۳، ص ۴۹). بنابراین اگر شخص در یک قراردادهای الکترونیکی مغبون شود به علم به غبن در مالی که در خرید آن مغبون شده است تصرف نماید با این اقدام و تصرف خود، خیار غبن خود را سقاط کرده است و این نشان از آن است که به مغبون بودن خود و مالی که خرید است رضایت دارد والا همچنین تصرفی در مال نمی‌کرد. مثلاً به طور عمده صد عدد نرم افزار را از یک وبسایت خریداری کند و در معامله مغبون شود، پس از خرید و مغبون شدن آنها را به یک شرکت یا شخص دیگر بفروشد، با این فروش و اقدام در مال تصرف کرده است و به طور ضمنی و باعمل خود، خیارش را ساقط کرده است.

### نتیجه

در خیار غبن، اگر قرارداد توسط فروشنده مورد قبول واقع شده باشد و قرارداد قطعی شود این سوال مطرح می‌شود که قیمت الکترونیکی و مجازی کالا و خدمات یا قیمت بازارهای واقعی مدنظر است که می‌تواند دو نتیجه از آن گرفت: **الف:** عرف بازارهای الکترونیکی خاص این نوع بازارها می‌باشد و ملاک غبن باید بازارهای الکترونیکی باشد نه واقعی، از این رو در صورت تفاوت

قیمت در بازار الکترونیکی با واقعی، اختیار غبن ثابت نمی‌شود. ب: پاسخ دیگری که می‌توان بیان داشت، این است که بازارهای الکترونیکی فقط جهت بالا بردن سرعت و تسهیل مبادله‌ها و رفاه حال خریداران و فروشندگان است و جز این منفعتی ندارد. بنابراین اشخاص با یک سری وسایل الکترونیکی، بازارهای الکترونیکی را اداره می‌کنند و از قیمت واقعی و فضاهای الکترونیکی هم اطلاع دارند و دلیلی وجود ندارد که کالا و خدمات را گران‌تر از قیمت بازارهای واقعی بفروشند، از این‌رو اختیار غبن در اینجا جریان دارد.

نتیجه دیگری که می‌توان به آن توجه کرد این است که با افزایش قیمت در صورت مغبون شدن در قراردادهای الکترونیکی، قیمت در حین عقد ملاک است و باید بگوییم حتی با افزایش قیمت، باز هم اختیار غبن برای مغبون باقی است و نمی‌توان به سقوط آن حکم کرد.

## منابع و مأخذ

۱. امامی، سید حسن (۱۳۴۰ش)، حقوق مدنی، کتابفروشی اسلامیة، تهران، جلد ۱. [ ۵ جلدی].
۲. أنصاری، مرتضی بن محمد أمين (۱۴۲۰ ق - ۱۳۷۸ش)، المكاسب، تحقیق تراث الشيخ الاعظم، مجمع الفكر الإسلامي، الطبعة: الاولى، قم، جلد ۵. [۶جلدی].
۳. آرشیو حقوقی کیهان، مجموعه رویه‌ی قضایی (از ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۲)، جلد دوم.
۴. جُبعی عاملی، زین الدین بن نورالدین علی بن احمد [الشهيد الثاني] [۱۳۸۶ق]، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، تحقیق: السيد محمد کلانتر، منشورات جامعة النجف الدينية، الطبعة الأولى - ۱۳۸۶ق. الطبعة الثانية - ۱۳۹۸ق، نجف، عراق، جلد ۳، [۱۰جلدی].
۵. حلّی، الحسن بن یوسف بن علی المطهر اسدی [علامه حلّی] [۱۴۱۳ق]، مختلف الشيعة فی أحكام الشريعة، محقق/ مصحح: گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، نوبت چاپ: دوم، جلد ۵. [تعداد جلد: ۹].
۶. حلّی، الحسن بن یوسف بن علی المطهر اسدی [علامه حلّی] [۱۴۱۸]، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، تحقیق مؤسسه النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، الطبعة: الأولى، مؤسسه النشر الإسلامي، قم، جلد ۲. [۳جلدی].
۷. حلّی، حسن بن یوسف بن علی مطهر اسدی [علامه حلّی] [۱۴۲۰ق]، تذكرة الفقهاء، مؤسسه آل البيت عليهم السلام الإحياء التراث، الطبعة الاولى، قم، جلد ۱۱. [۱۴جلدی].
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۱ش)، لغت نامه دهخدا، موسسه لغت نامه دهخدا، چاپ پنجم، تهران.
۹. صفایی، سید حسین (۱۳۸۴ش)، قواعد عمومی قراردادها، میزان، تهران، جلد ۲.
۱۰. طریحی نجفی، فخرالدین (۱۴۰۸ق = ۱۳۶۷ش)، مجمع البحرين، تحقیق سید احمد حسینی، چاپ دوم، انتشارات مکتب النشر الثقافة الاسلامیة، قم، جلد ۶.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، خلاف، جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، جلد ۲.

۱۲. عاملی، سید جواد حسینی (بی تا)، مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامة (ط. القديمه)، داراحیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، اول ه.ق. جلد، ۹ [۱۱ جلدی].
۱۳. عاملی، محمد بن مکی (الشهید الاول) (۱۴۱۷ق)، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، قم-ایران، جلد ۳. [۳ جلدی].
۱۴. قانون تجارت الکترونیکی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۲.
۱۵. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۰۷.
۱۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰ش)، اعمال حقوقی، قرارداد-ایقاع، شرکت سهامی انتشار، تهران.
۱۷. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۵ش = ۱۴۲۷ق)، تحریر الوسیله، تحقیق و نشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمینی (س) (المطبعة: مؤسسه العروج، تهران، الطبعة: الثانية، جلد ۱ [۲ جلدی].
۱۸. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۵ش - ۱۴۲۷ق)، تحریر الوسیله، تحقیق و نشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمینی (س) (المطبعة: مؤسسه العروج، تهران، الطبعة: الثانية، جلد ۱، [۲ جلدی].
۱۹. نجفی، شیخ محمد حسن (۱۹۸۱م)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، دار احیاء التراث العربی، بیروت - لبنان، جلد، ۲۳، [۴۳ جلدی].